

Prevention of Worldliness as a Source of Mental Disorders in Allameh Tabatabai's Thought

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Safara, M.¹Faculty Member

Sadidpoor, S.S.² MSc

ABSTRACT

According to Allameh Tabataba'i, the definitive cure for mental illness is only possible through the Qur'an. One who prefers misguidance to guidance is not mentally healthy. It is God alone who can guide man, and God does it through the prophecy through the divine prophets; But a human who suffers from the world and replaces the world with the god due to this moral viciousness suffers from mental distress, because the dark desires darken the light of his heart and intellect. The way to the peace, is believe in God, the principles of resurrection, justice and to accept the obligations of faith. Secondly, the acceptance of practical instructions such as prayer and paying "Zakat" reduces one's greed and brings him to true and lasting peace.

How to cite this article

Safara, M.¹Faculty Member

Sadidpoor, S.S.² MSc.

Prevention of Worldliness as a

Source of Mental Disorders in

Allameh Tabatabai's Thought.

Journal of Quran and medicine,

2019:3(3): 38-43

Keywords: Peace, Faith, Anxiety, Worldliness.

¹Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

²MSc in Social Science Research, Alzahra University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address: Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Phone:

m.safara@alzahra.ac.ir

Article History

Received: October 17,2019

Accepted: November 30,2019

ePublished: September 22,2019

پیشگیری از دنیاطلبی، به عنوان منشاء بیماری‌های روح و روان، در اندیشه علامه طباطبائی

مریم صف آرا*

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان، گروه روان‌شناسی، تهران، ایران

سمانه سادات سدیدپور

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
sama.sadid@gmail.com

چکیده

در نگاه علامه طباطبائی (ره)، درمان قطعی بیماری‌های روانی تنها از مسیر قرآن امکان‌پذیر است. کسی که گمراهی و ضلالت را به هدایت ترجیح بدهد، از نظر روانی سالم نیست. تنها خداوند است که می‌تواند انسان را هدایت کند و خداوند این هدایت را از مسیر نبوت و به واسطه انبیا الهی انجام می‌دهد؛ اما انسانی که مبتلا به دنیاطلبی است و تعلق به دنیا را با تعلق به پروردگار جایگزین می‌کند به سبب وجود این رذیلت اخلاقی به ناراحتی‌های روحی مبتلا می‌شود، چون خواسته‌های تاریک نور قلب و عقل او را تاریک می‌کند. راه رسیدن به آرامش، باور خدا، اعتقاد به اصولی چون قیامت، عدل و پذیرش تعهدات ایمانی است. در مرحله دوم پذیرش دستورات عملی چون اقامه نماز و پرداخت «زکات» طمع آدمی را فرو می‌کاهد و او را به آرامش حقیقی و پایدار می‌رساند.

واژگان کلیدی: آرامش، ایمان، اضطراب، دنیاطلبی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۳

***نویسنده مسئول:** m.safara@alzahra.ac.ir

مقدمه

خداوند متعال در توصیف روز قیامت از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌فرماید: *الا من أتى الله بقلب سليم* [۱] (شعراء: ۸۹) در این روز هیچ چیزی به کار نمی‌آید، جزء «قلب سليم». سليم از ماده سلامت است و سلم و سلامت به معنای دور بودن از آفات ظاهری و باطنی است [۲]. اما مفهوم قلب سليم یعنی قلبی که از هر گونه بیماری و انحراف اخلاقی و اعتقادی دور باشد [۳]. علائق شدید مادی، و دنیا پرستی انسان را به انحراف می‌کشاند، چرا که «عشق به دنیا سرچشمه هر گناهی است» [۴] و قلب سليم، قلبی است که خالی از «حب دنیا» باشد، آن گونه که امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسشی پیرامون این آیه فرمود: «القلب السليم الذي يلاقي ربه و ليس فيه احد سواه» قلب سليم، قلبی است که خدا را ملاقات کند در حالی که غیر از او در آن نباشد [۵]. برای رسیدن به قلب سليم نیاز است از خود مراقبت کنیم. امروزه پژوهشگران ثابت کرده اند مراقبت‌های معنوی می‌تواند در دستیابی به آرامش مفید باشد [۶]. تأثیر یاد خدا در کاهش اضطراب تأیید شده است [۷]. به نظر می‌رسد نگرش دینی با آرامش روانی رابطه دارد [۸] و توجه به تعالی ایمان از طریق جهان بینی ایمانی در رسیدن به آرامش نقش به سزایی دارد [۹] و گرایش به معنویت موفقیت و پیشرفت سازمان و جامعه اسلامی را تضمین می‌کند [۱۰]. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «عليكم بمكارم الاخلاق فان الله بعثني بها» یعنی «بر شما باد به مکارم الاخلاق،

پس به درستی که خداوند مرا به آن مبعوث کرده است» و بر بشر است که دنباله رو دستورات پروردگار خویش باشد تا بتواند از گمراهی روح و آسیب رساندن به خود در درجه اول و ناسپاسی الهی و در عذاب او افتادن در درجه دوم در امان بماند [۱۱]. عقلی که قوانین فکری و منطقی را مراعات نموده و از معاصی و پلیدی‌ها خود را پیراسته و از دست‌رس وهم و وسواس به دور است، از خطا و اشتباه در امان خواهد بود [۱۲].

البته در نظر وی، یکی از مهم‌ترین شرایط رسیدن به نورانیت معرفت و ایمان، همین پاکی از معصیت و شهوات است. چنان‌که در تبیین سبب انزال کلام الهی و تنزیل کتاب آسمانی بر دل بنده و انسان کامل، این گونه نوشته است: «هنگامی که روح انسانی از بدن و پلیدی‌های گناهان، لذت‌ها، شهوات، وسوسه‌های عادی، و تعلقات آن جدا شده و تجرد یابد، نور معرفت و ایمان به خدا و ملکوت اعلا بر او ظاهر می‌گردد» [۱۳]. حاصل شدن این نور و تأکید یافتن آن در نفس آدمی، موجب می‌شود که عقل قدسی حاصل شود. با این حساب می‌توان گفت شرط حصول عقل قدسی (دست کم یکی از مهم‌ترین شرایط آن)، ترک معصیت و پاکی از رذایل است [۱۴]. خواجه نصیر الدین طوسی درباره رذائلی که در ازای هر فضیلت می‌باشند می‌نویسد: «پس هر فضیلت به مثابت وسطی است و رذائل که به ازای او باشد به منزلت اطراف، مانند مرکز دایره تا همچنان که به سطح دایره، یک نقطه که مرکز است دورترین نقطه هاست، از محیط و دیگر نقط که اعداد آن در حصر و حد نیاید از جوانب چه بر محیط و چه داخل محیط هر یک در جانی که باشد به محیط نزدیکتر باشد و این است مراد حکما از آنچه گویند «فضیلت در وسط بود و رذائل بر اطراف»؛ پس از این روی به ازای هر فضیلتی رذیلتی های نامتناهی است چه وسط محدود باشد و اطراف نامحدود» [۱۴]. علامه بنا بر سنت فیلسوفان مسلمان، به پیروی از ارسطو، فضیلت و رذیلت یا خوب و بد را ناشی از سه قوه‌ی اصلی آدمی یعنی: قوه‌ی شهویه، قوه‌ی غضبیه و قوه‌ی عاقله می‌داند. قوه‌ی شهویه به دنبال جذب منفعت و خیر است و منافعی را که هماهنگ و ملایم با تمایلات انسان است کسب می‌کند، مثل خوردن و نوشیدن. قوه‌ی غضبیه دافع شر و امور مضر نفس آدمی است، مثل دفاع از جان و مال و آبرو، و قوه‌ی عاقله انسان را به خیر و سعادت هدایت می‌کند و از شر و شقاوت باز می‌دارد. هر یک از قوای یادشده، یک حالت اعتدال و حد وسط دارند و دو شیء مخالف که یا حالت افراط و یا حالت تفريط این قواست. فضیلت ممدوح فقط حد وسط هر یک از آنهاست و طرفین آن که افراط و تفريط باشد رذیلت و مذموم است. خداوند تعالی در قرآن، برای تعبیر آرامش از سکینه و تسکین که ریشه آن سکن است استفاده می‌کنند. سکن آرام گرفتن بعد از حرکت است به معنای در وطن آرام گرفتن و سکونت نیز به کار می‌رود و به معنی آرامش باطن و انس نیز آمده است. سکینه آرامش قلب و اطمینان خاطر است [۱۵].

علامه طباطبائی در تفسیر آرامش، ذیل کلمه (سکینه) توضیح می‌دهند که این کلمه از ماده سکون است. سکون خلاف حرکت استو معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است. آدمی به غریزه فطریش کارهایی که می‌کند ناشی از تعقل قبلی است، یعنی قبل از انجام هر کاری در عقل خود مقدمات آنرا می‌چیند، و طوری می‌چیند که هنگام انجام عمل بدون هیچ اضطراب و تزلزلی آن را انجام دهد [۱۶]. این وضع انسانی استدارای

حکمت به معنای اخلاقی، و اما انسانیکه در زندگی خود در مادیات فرو رفته و تابع هوی و هوس خود باشد، چنین انسانی همواره در مقدمه چینی های فکریش دچار اشتباهی شود، و باعث اضطرابش می گردد. از نگاه علامه طباطبایی فردی که از نظر روانی سالم است هدایت الهی را می پذیرد و کسی که از نظر روانی سالم نباشد گمراهی و ضلالت را به هدایت ترجیح بدهد^[۱۷] به همین دلیل مدام در اضطراب است. چرا که سعادت و کمال واقعی انسان، زندگی راحت و پر نعمت آخرت است و به تنهایی در دنیا نیست. خداوند تعالی در قرآن می فرماید "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَ أَبْقَى" (اعلی: ۱۴ - ۱۷) و در آیه "إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ"^[۱۸] (نحل: ۱۲۵) تأکید می کند که خدا بهتر می داند چه کسی از راه او به بیراهه رفته و چه کسی راه او را یافته است، چون راه، راه او است، امر هدایت هم به دست او است و معلوم است که صاحب راه و راهنما بهتر می داند چه کسی در راه او است، و چه کسی در آن نیست^[۱۸]. تنها خداوند باری تعالی است که می تواند راه سلامت روح انسان و تعالی آن را از مسیر نبوت با ارائه الگویی مانند پیامبر اکرم (ص) نشان دهند و افرادی که خود گمراه هستند انسان را به سمت گمراهی هدایت می کنند.

روش پژوهش

در این نوشتار تلاش شده است تا با روش کتابخانه ای و رویکرد توصیفی به بررسی دنیا طلبی به عنوان یک منشأ از بیماری های روح و روان پرداخته شود. تبیین دنیا طلبی و پیشگیری از آن را از منظر اندیشه های علامه طباطبایی انجام خواهد شد.

دنیا طلبی منشأ بیماری های روح

در قرآن توجه فراتر از حد تعادل به دنیا و بی اعتنایی به خداوند موجب گرفتاری در دنیا و آخرت است. از نگاه قرآن دنیا طلبی یکی از عواملی است که انسان را از آرامش دور می کند "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ"^[۱۹] (منافقون: ۹) و حرص به دنیا آن را تشدید می کند "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا"^[۲۰] (رعد: ۲۸). دنیا به سبب آن که امری گذرا و ناپایدار است^[۲۱] (اسراء: ۱۸؛ عنکبوت: ۲۰؛ قیامت: ۲۰؛ انسان: ۲۷) و اسباب عدم توجه انسان به حقیقت دنیا و مقدمه ای بودن آن را فراهم می آورد و بسیاری از مردم به آن اصالت می بخشند و این گونه از آخرت غافل می شوند^[۲۲] (روم: ۷)، خداوند آن را بی ارزش شمرده است. بنابراین، بی ارزشی دنیا را نمی بایست به عنوان یک ارزیابی مستقل دید، بلکه این ارزیابی با توجه به نسبت آن به آخرت صورت می گیرد. هدف از این تنقیص و بی ارزش دانستن در هنگام مقایسه آن با آخرت، از آن روست تا انسان به سبب زندگی در دنیا و لذت های آن، در دام آن نیفتد و به آن اصالت نبخشد و دلبسته به آن نشود تا از آخرت غافل گردد. در همه کاربردها، دنیا به معنای نزدیک تر آمده است. خداوند به انسان

تأکید می کنند که به دنبال خواسته های نزدیک دنیایی نباشند «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا»^[۲۳] (اسراء: ۱۸). در قرآن نسبت به گذرا بودن و فانی بودن دنیا تذکر داده شده است^[۲۴] (کهف: ۴۵ و یونس: ۲۴). قرآن از دنیا به عنوان زینتی زین للَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا^[۲۵] (بقره: ۲۱۲). فریب دهنده مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ^[۲۶] (عمران: ۱۸۵) و موقتی إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَّتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ^[۲۷] (یونس: ۲۴)؛ که هر کس به میزان کمی از آن بهره مند می شود "وَ اخْرُبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا"^[۲۸] (کهف: ۴۵) یاد می کند و علت آفرینش آن را آزمودن انسان ها می داند «زُهِرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ»^[۲۹] (طه: ۱۳۹) و می فرماید بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا»^[۳۰] (حدید: ۲۰).

صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط و یا تقریط منحرف گردد، رذیله و مذموم می شود^[۳۱]. برای دنیا طلبی تعبیر هلوع استفاده می شود این هلوع بودن انسان را به رذیله اعراض از یاد خدا و به جمع اموال و گنجینه کردن آن و در آخر دچار آتش خالد شدن و می دارد. اشاره می کند، آتشی که فرمود: "لَطِيَ نَزَاعَةً لِلشَّوَى"^[۳۲] (معارج: ۱۶). حکمت الهی اقتضا کرد خداوند آدمی را به این صفت بیافریند، تا به وسیله این صفت به آنچه مایه خیر و سعادتش می باشد هدایت شود. چیزی که هست این خود انسان است که این مایه سعادت خود را مایه بدبختی خود می سازد، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند^[۳۳].

حرص از نگاه علامه طباطبایی به حرص خدادادی که مفید و مطلوب است و حرص بشری که انحرافی و مذموم می باشد، تقسیم می شود. در ذیل تفسیر آیه "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا"^[۳۴] (معارج: ۴۴). می فرماید: کلمه "هلوع" صفتی است که از مصدر "هلع" - به فتح هاء و لام - که به معنای شدت حرص است اشتقاق یافته و نیز گفته اند که این کلمه را دو آیه بعد تفسیر کرده، پس هلوع کسی است که هنگام برخورد با ناملایمات بسیار جزع می کند، و چون به خیری می رسد از اتفاق به دیگران خودداری می کند. و به نظر ما این وجه بسیار وجه خوبی است و سیاق آیه هم با آن مناسب است، چون از سیاق دو جمله "إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا" و "إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا" پیداست که می خواهد هلوع را معنا کند^[۳۵].

اگر عنایت الهی او را دریابد، همه غرائز او و از آن جمله حرصش به جای حرص بر هوای نفس، حرص بر حوصله طلبی می شود. اگر همین فرد حرصش بر خیر دنیوی کنترل نداشته باشد، خدای تعالی

■ امام حسین «سلام الله علیه» می‌فرماید: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَعِقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. بنابر تعبیر نورانی آن حضرت، مردم بنده دنیا هستند. تا وقتی در معرض امتحان قرار نگرفته‌اند، ممکن است مردود نشوند. اما کمتر کسی می‌تواند در امتحان، موفق گردد [۲۳].

■ امام سجاد (ع) در قالب مناجات دنیا و خطرات گرایش به دنیا و زهد را معنا کرده، راه نجات از دنیا را از خداوند اینچنین مسئلت فرموده است: خدایا! دامهای نیرنگ سر راه ما کنده‌اند به تو پناه می‌بریم تا دنیا ما را نفریبد. دنیا پر از بلا و زیان و رنج و سختی است و از خداوند در خواست می‌کند که دوستی دنیا را از دل‌ها بیرون کند آنچنان که از دل‌های برگزیدگان بیرون کرده است [۲۴].

■ روایت دیگری را ابن ابی‌عفور از امام صادق [صلوات‌الله‌علیه] نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا بِثَلَاثَ خَصَالٍ هُمْ لَا يَقْنِي وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ». کسی که به دنیا تعلق قلبی پیدا کند، قلبش به سه امر گره می‌خورد؛ اول، غصه‌ای که بی‌زوال است؛ دوم، آرزویی که به آن نمی‌رسد؛ و سوم، امیدي که به آن نائل نمی‌شود [۲۵].

■ امام هادی (علیه السلام) فرمود: الدنيا سوق ربح فيها قوم و خسر آخرون؛ دنیا چون بازاری است که گروهی در آن فایده می‌برند و دسته‌ای زیان می‌بینند.

ذکر این نکته ضروری است که بی ارزش بودن دنیا از نظر دین، بی ارزشی مقایسه‌ای است بدین معنا که، دنیا ارزش ندارد شما به خاطر آن، اصول اخلاقی و اجتماعی، انسانیت و بزرگواری را از دست بدهید و به دروغ، ظلم، خیانت، پیمان شکنی و تضییع حقوق دیگران مبتلا گردید [۲۶].

پیشگیری

برای مبارزه با حرص با توجه به آیات تقویت امانت داری، نماز و انفاق ذکر می‌شود:

■ تقویت امانت داری راهی برای مبارزه با حرص است. "وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ" [۱] (مؤمنون: ۸) آنچه از کلمه "امانات" زودتر از هر معنایی به ذهن می‌رسد، خیانت نکردن به اعتماد دیگری است. اگر یکی آن حقوق را تضییع کنند، به خدای تعالی خیانت کرده‌است.

■ نماز. حضرت باری تعالی می‌فرماید "إِلَّا الْمُصَلِّينَ" این استثناء، از انسان هلوع است و اگر از میان همه امتیازات افراد مؤمنی که در آیات بعد ذکر می‌شود نماز را اختصاص به ذکر داد، برای این بود که شرافت نماز را رسانیده و بفهماند نماز بهترین اعمال است. علاوه بر این، نماز اثر روشنی در دفع رذیله هلع مذموم دارد، چون در آیه "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ" [۲] (عنکبوت: ۴۵) نماز را بازدارنده از هر فحشاء و منکر می‌داند. "الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ" [۳] (معارج: ۲۳). اینکه کلمه "صلاه" را به ضمیر "هم" اضافه کرده دلالت دارد بر اینکه بر خواندن نمازشان مداومت داشته‌اند، نه اینکه پیوسته در نماز بوده‌اند، و ستودن آنان به مداومت در نماز اشاره است به اینکه اثر هر عملی با مداومت در آن کامل می‌شود [۲۷].

نعمتش را مبدل به نعمت نموده، و این صفت او را به اعراض از حق و جمع مال دنیا و گنجینه کردن آن وا می‌دارد. حرصی که منسوب به خداست حرص بر خیر واقعی است و حرصی که صرف جمع مال و غفلت از خدا می‌شود منسوب به خود انسانها است که مذمت شده است [۱۹] و موجب آرامش نیست.

دنیاطلبی در روایات. درسرخان معصومین [علیه السلام] به روایاتی برمی‌خوریم که مشتمل بر هر دو جنبه‌ی مربوط به دنیاست؛ یعنی از آن جهت که پست، ناچیز و مذموم است و از جهت این که مورد ستایش و ممدوح بوده و باید از امکانات موجود در آن به شایستگی استفاده شود.

■ پیامبر اکرم [صلی الله و علیه و آله] خطاب به اباذر غفاری می‌فرماید: «یا اباذر و الذی نفس محمد بیده لو ان الدنيا كانت تعدل عند الله جناح بعوضه او ذباب ما سقى الکافر منها شربه من ماء»؛ ای ابوذر سوگند به آن کسی که جان محمد به دست قدرت او است اگر دنیا به اندازه‌ی بال پشه یا مگسی ارزش داشت هر آینه خداوند حتی یک جرعه آب نصیب کافر نمی‌کرد. ای ابوذر دنیا و آنچه در او است نفرین شده است، جز آنچه در راه رضای خدا به کار رود و هیچ چیزی نزد خدا مبعوض تر از دنیا نیست [۲۰] و فرمودند «مَنْ أَصْبَحَ وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»؛ کسی که شب را به روز آورد، در حالی که بیشترین و بزرگ‌ترین هدفش دنیا باشد، خدا به او اعتنا نمی‌کند. خدا به کسی اعتنا می‌کند که خدا را بزرگ‌تر ببیند، نه درهم و دینار را. اگر خدا را بزرگ‌ترین هدف دانستی، آن وقت خدا به تو اعتنا می‌کند؛ ولی اگر بزرگ‌ترین هدف پول باشد، خدا به تو اعتنایی نمی‌کند. (حضرت ع) در ادامه می‌فرماید: «وَأَلْزَمَ قَلْبَهُ أَرْبَعَ خَصَالٍ»؛ چنین فردی دلش را به چهار خصلت گره خواهد زد؛ «هَمًّا لَا يَنْقُطُ عَنْهُ أَبَدًا وَ شُغْلًا لَا يَفْرُجُ مِنْهُ أَبَدًا وَ فَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا وَ أَمَلًا لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ أَبَدًا». اول آن که همیشه اندوهگین است. دوم آن که هیچ‌گاه از گرفتاری‌اش خلاص نمی‌شود. سوم آن که همیشه احساس کم‌بود می‌کند و این احساس هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شود. چهارم آن که هیچ‌گاه به امید و آرزوی دنیوی‌اش هم نخواهد رسید [۲۱].

■ امیرالمؤمنان علی (ع)، دنیا را با عبارت تَغَرُّ وَ تَضَرُّ وَ تَمُرُّ [۲۲]، غرورآور، زیان‌بار و بی‌دوام معرفی کرده است. امام مردم را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: همچون زاهدان و اعراض کنندگان از دنیا به آن بنگرید به خدا سوگند دنیا ساکنان خود را از میان می‌برد و هوس‌بازان خود را به مصیبت می‌کشاند (خطبه ۱۰۳). در حکمت ۲۳۶ نیز پس از سوگند به خدا دنیای مردم را در چشم خویش خوارتر و بی ارزش‌تر از استخوان بی‌گوشت خوک در دست بیماری جذامی می‌داند و می‌فرماید الدنیا دار ممر لا دار مقروالناس فیها رجلا: رجل باع نفسه و اوبقها؟ و رجل ابتاع نفسه فاعتقه؛ در حکمت ۱۳۰ آمده است: دنیا خانه‌ای است که انسان از آن عبور می‌کند، نه محل استقرار دایم و همیشگی؛ مردم در دنیا دو گروه هستند؛ گروهی خودشان را به دنیا فروخته و به عذاب الهی گرفتار می‌نمایند و گروهی دیگر، خود را خریده و از قید دنیا آزاد می‌سازند.

3. Sadr al-Din Shirazi, ME. Al-Hekmat al-Mutalli in Al-Asfar al-Araba al-Aqliyyah, Qom,, published: Mostafavi, 1989.
4. Tabarsi, A. Jamiat al-Biyan, Beirut, Dar al-Mutafarah, vols 7 and 8, p. 305, under verse 89 of sura poets.
5. Majlesi, M B. Bahar ol-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute Publications, Second Edition, 1403 AH, vol 67, p. 54, 1983.
6. Sa'eedi Taheri, Z, et al. The Effect of Spiritual Care Based on the Salim Heart Model on the Spiritual Experience of Patients with Coronary Artery Disease, Journal of Psychiatric Nursing, First Year, No. 3, pp. 45-53, Fall 2013.
7. Mountain, H R et al. Explaining Nursing Students' Experiences with Quran in Managing Test Anxiety: A Qualitative Study Quarterly Journal of Health Research, No. 8, pp. 379-392, 2013.
8. Ghazanfari, A et al., Investigating the Relationship between Religious Attitude and Psychological Relaxation, Self-Confidence, Anxiety and Depression in Adolescent Girls, Educational and Cultural Journal of Women and Family, No. 22, Spring, 2013.
9. Fa'ali, M T, Relaxation - Approaches and Solutions [Emphasis on Islamic Teachings], Ethics Research Journal, No. 18, 27, 2012.
10. Sarlak, M A et al. Identifying Dimensions of Spiritualist Organization in Iranian Higher Education [Islamic Approach] Quarterly Journal of Islamic University, No. 4, p. 355, Fall 2012.
11. Tabatabai, M H, Translated of Tafsir al-Mizan, Volume 1, Office of Islamic Publications [Qom Seminary Teachers'] - Qom, published: Fifth, 1995.
12. Sadr al-Din Shirazi, ME. Al-Mabdi and al-Ma'ad, Corrected by Seyyed Jalaluddin Ashtiani, Qom: Islamic Propaganda Bureau, 2001.
13. Sadr al-Din Shirazi, M E. Al-Hekmat al-Mutalli in Al-Asfar al-Araba al-Aqliyyah, Qom, published: Mostafavi, VOL4, 1989.
14. Tusi, N. Excerpts of the Nasser Ethics, Third Edition 2005, Tehran: Ghadiani Publications.
15. Qureshi Banaei, A A. Ghamoose Qur'an, Tehran, Dar al-Qatib al-Islamiyah
16. Tabatabai, M H. Translated of Tafsir al-Mizan, Volume 2, Office of Islamic Publications [Qom Seminary Teachers'] - Qom, published: Fifth, 1995.
17. Makarem Shirazi, N, Exemplary Interpretation, Dar al-Akb al-Islamiyyah, 12 Edition, Vol. 24, p. 375, 2007.
18. Tabatabai, M H, Translated of Tafsir al-Mizan, Volume 19, Office of Islamic Publications [Qom Seminary Teachers'] - Qom, published: Fifth, 1995.

■ انفاق. وَ الَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُوْمٌ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُوْمِ [۱] (معارج: ۲۴ و ۲۵) بعضی از مفسرین حق معلوم را به زکات واجب تفسیر کرده‌اند. مصلین واقعی که از حرص بدور هستند علاوه بر تصدیق قلبی روز جزا عملاً هم آن را تصدیق می‌کنند، به این معنا که سیره زندگیشان سیره کسی است که معتقد است هر عملی که انجام دهد به زودی در مورد آن بازخواست، و بر طبق آن جزا داده می‌شود، حال چه اینکه عملی خیر باشد و چه شر، اگر خیر باشد جزای خیرش می‌دهند، و اگر شر باشد جزای شرش می‌دهند و تعبیر به جمله "یصدقون" دلالت دارد بر اینکه تصدیقشان استمرار هم دارد، پس دائماً مراقبند در هر عملی که می‌خواهند انجام دهند خدا را فراموش نکنند. به اعمال صالحه خود اعتماد ندارند، و از عذاب خدا ایمن نیستند، چون ایمنی از عذاب با خوف و اشفاق نمی‌سازد [۱۹].

نتیجه‌گیری

خداوند در قرآن کریم بیماری‌های روانی و درمان آن‌ها را بیان کرده است. از مهم‌ترین بیماری که در بحث‌های تفسیری علامه طباطبایی نیز بدان‌ها اشاره شده است می‌توان به دنیا طلبی اشاره کرد. خداوند دنیا را برای انسان آفریده و از آفرینش آن هدفی داشته است که آن هدف در قرآن کریم و روایات ائمه (ع)، رسیدن به کمال و سعادت معرفی شده است. قرآن کریم بهره‌گیری از زندگی دنیوی را به دو صورت ممدوح و مذموم بیان کرده است، در صورت مذموم آن انسان به تباهی کشیده می‌شود دل‌بستگی به دنیا و مظاهر فریبدهی آن، یا همان دنیای مذموم، بزرگترین عامل لغزش و انحراف انسان از مسیر الهی و مانع اصلی نیل به کمال و تقرب به خداوند متعال است و آثار جبران ناپذیری در دنیا و آخرت انسان دارد از جمله اینکه حرص سلامت فطرت انسان را نابود می‌کند، در حالی که استفاده مفید از دنیا و عدم دل‌بستگی به آن، راه رسیدن به کمال است. اسلام نمی‌فرماید که دنیا را فراموش کنید، بلکه دل‌بستگی به دنیا و پرداختن به دنیای حرام را مذمت فرموده و در عوض، مسلمانان را برای تلاش در راستای آبادی دنیای حلال، سفارش می‌فرماید وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا [۱] (قصص: ۷۷).

از نگاه اسلام مسلمان باید هم‌زمان به آبادی دنیا و سعادت خود در آخرت خود بیاندیشد. راه رسیدن به آرامش باور خدا، اعتقاد به اصولی چون قیامت و عدل، پذیرش تعهدات ایمانی است. در مرحله دوم پذیرش دستورات عملی چون اقامه نماز و پرداخت زکات طمع آدمی را فرومی‌کاهد و او را به آرامش حقیقی و پایدار می‌رساند. اگرچه این نوشتار خرد است اما پیشنهاد میشود به صورت علمی و روشمند نیز تأثیر عدم دنیا طلبی بر تمامی ابعاد روح آدمی به تفصیل بررسی شود.

منابع

1. The Holy Quran. Translated by Fooladvand, M. Tehran, Dar al-Qur'an al-Karim, ۱۹۹۷
2. Tabatabai, SM. Translated of Tafsir al-Mizan, Islamic Publications Office, Fifth Edition, 1995, Volume 15, p. 404.

19. Tabatabai, M H, Translated of Tafsir al-Mizan, Volume 20, Islamic Publications Office [Qom Seminary] - Qom, published: Fifth, 1995.
20. Tabarsi, H. Al-Bayyan Assembly on the Commentary of Al-Qur'an Edited by: Rasouli, Hashem Designed by: Yazdi Tabatabai, Fazlollah Tehran: Publisher, Nasser Khosro, 1993.
21. Majlis, M B. Bihar al-Anwar al-Jama'ah Ledger, Al-Aemiyah al-Khattar al-Islamiyah, Tehran. 1403 AH.
22. Amir al-Mu'minin Ali (AS), Nahj al-Balagha, translated by Dr. Mobasheri, A. Tehran Islamic Culture Publication Office, 1994, 7 th, 1408 AH
23. Ghaffari, A A, Taif al-Aqul, Translated by: Kamraee, M B. Tehran: Islamic Bookstore, AH, p.
24. Imam Sajjad (PBUH), Sahifeh Sajjadiyah, Baqer al-Alum Research Institute, Mashar Publishing, 2007.
25. Majlis, M B. Bahar ol-Anwar, 1991.
26. Motahari M. Twenty Speeches, Sadra Publications, Seventh Edition, 1991.
27. Qomi, A. Qum'i Interpretation, Research: Mousavi Jazayeri, ST, Vol. 2, p. 386, Dar al-Kutb, 1989.